

نقش جریان‌های شیعی عراق در روند دولت-ملت‌سازی

رشیدرکابیان^۱ - سیداحمد موسوی^۲

چکیده

کشور عراق از زمان استقلال تا زمان اشغال در سال ۲۰۰۳ توسط ائتلاف امریکایی دارای حکومت‌های پادشاهی دیکتاتوری بود که جریان‌های شیعه در آن نقشی نداشتند و بلکه سرکوب هم می‌شدند؛ اما با سقوط صدام زمینه وبستری برای جریان‌های شیعه این کشور فراهم شد تا در ساختار جامعه و دولت نقش داشته باشند؛ لذا دولت‌سازی دموکراتیک را می‌توان اصلی‌ترین ضرورت عراق نوین برای این جریان‌ها دانست. اما روند دولت‌سازی و ملت‌سازی در عراق تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و الگوی کنش‌نخبگان شکل می‌گیرد. در محیطی که تضادهای قومی، هویتی و مذهبی وجود دارد، نخبگان کار دشواری برای دولت‌سازی دارند. به همین دلیل روابط جدید دولت‌سازی در عراق بدون توجه به نقش جریان‌های شیعه عراق در روند کنترل قالب‌های احساسی و قومیتی امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که «جریان‌های فکری شیعه در فرایند دولت‌سازی دموکراتیک در عراق چه ویژگی‌هایی دارند و دولت‌سازی در چه فرایندی حاصل می‌شود؟» فرضیه مقاله معطوف تبیین این گزاره است که «دولت‌سازی و ملت‌سازی دموکراتیک در عراق از طریق انسجام اجتماعی و همبستگی جریان‌های فکری در فرایند نهادسازی اجتماعی حاصل می‌شود».

کلیدواژه‌ها: عراق، جریان‌های شیعه، دولت‌سازی، ملت‌سازی

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه بروجرد ra.recabian@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد ra.recabian@yahoo.com

مقدمه

عراق یکی از کشورهای همسایه غربی ایران، که بیشترین مرز مشترک جغرافیایی و بالاترین اشتراکات فرهنگی را با ایران دارد (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۹۳) این کشور پس از جنگ جهانی اول و شکست امپراطوری عثمانی، نیز همچون سایر متصرفات متفقین در خاورمیانه، به قیمومیت آنها درآمد. بر طبق موافقت‌نامه سایکس-پیکو به طور محرمانه و در سال ۱۹۱۶م. به امضا رسید، عراق جزئی از قلمرو اشغالی بریتانیا درآمد و تحت نظارت آن اداره می‌شد. به این ترتیب که در سال ۱۹۲۰م. از به هم پیوستن سه ایالت منطقه میان رودان، یعنی ایالت‌های بصره، بغداد و موصل و با حمایت بریتانیا و سایر متفقین کشور عراق تشکیل شد. یک سال بعد از تشکیل کشور عراق، ملک فیصل اول با حمایت بریتانیا و با رای گیری عمومی به پادشاهی عراق انتخاب شد. در سال ۱۹۳۰، شیعیان عراق تصمیم گرفتند علیه حکومت دست نشانده انگلستان قیام کرده تا بتوانند خود کشوری مستقل برپا نمایند که به علت همراهی نکردن قبایل سنی که غالباً مورد کمک بریتانیا قرار داشتند، این قیام شکست خورد. از این رو در فشار قرار دادن و فقر شیعیان عراق توسط حکومت آغاز شد. در سال ۱۹۳۲م قیمومیت انگلستان به پایان رسید و این کشور رسماً به استقلال دست یافت. در همان سال عراق به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. پس از گذشت یکسال، غازی اول فرزند فیصل به پادشاهی عراق رسید. بعد از مرگ "غازی" اول پادشاهی به فرزندش فیصل دوم رسید و پادشاهی وی تا سال ۱۹۵۸م با کودتای ضدسلطنتی فرو پاشید و بعد از آن حزب بعث قدرت را به دست گرفته و تا سال ۲۰۰۳م قدرت در دست آنها بوده است. نکته مهم در این رابطه این است که علی رغم جمعیت بالای شیعه در عراق (حدود ۶۵ درصد) (کریمی، ۱۳۸۷: ۴۶-۶۵). و از همه مهمتر حوزه علمیه نجف به عنوان یکی از مراکز جهان تشیع در آن دوران از سویی دیگر، شیعیان در تاریخ معاصر عراق در ساختار سیاسی به دلیل نوع نظام سیاسی آن کشور (پادشاهی-دیکتاتوری میلیارشی) نقشی نداشتند و در بدترین شرایط سیاسی-اجتماعی و اقتصادی قرار داشتند؛ تا اینکه با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ جریانهای فکری عراق دوباره احیا شدند و در فرایند دولت-ملت سازی عراق نقش ایفا کردند. در این مقاله ضمن معرفی جریانهای سیاسی شیعه در عراق به نقش آنها در فرایند دولت-ملت سازی اشاره خواهد شد.

۲- تعریف مفاهیم

۲.۱. دولت-ملت

مقوله دولت-ملت و ملت-دولت^۱ و همچنان دولت سازی^۲ و ملت سازی^۳ به عنوان مقولات مدرن در اندیشه سیاسی-فلسفی و تحولات سیاسی-اجتماعی سده های معاصر اروپا شکل گرفت؛ در دوره که ناسیونالیزم به عنوان فرآیند این تحولات به ظهور رسید و حکومت شاهان و شهزادگان جایش را به اندیشه تکوین کشور و تشکیل دولت-ملت داد. بر این اساس تعریف مفاهیم دولت و ملت عبارتند از:

^۱ Nation-Stat

^۲ State-building

^۳ Nation-building

۱. دولت: به صورت کل می‌توان دولت را با دو تعریف کلاسیک و مدرن بیان کرد، اما با توجه به اندیشه و دیدگاه متفاوت دانشمندان علم سیاست و حقوق و تفاوت مکتب‌های فکری و ایدئولوژی، تصویر واحد از تعریف مدرن دولت ارائه نمی‌شود. حتی بیان و تصویر یکسان از دولت در داخل هر مکتب فکری و ایدئولوژی وجود ندارد. مثال فیلسوفان پیشین چون افلاطون و ارسطو، دولت را نهادی در جهت تنظیم امور و هماهنگی میان اجزای جامعه می‌پندارند. دانشمندانی چون هابز، لاک و روسو، دولت را نتیجه یک قرار داد اجتماعی تلقی می‌کنند (عالم، ۱۳۸۳: ۸۹-۹۰). کمونیستان پیرو افکار کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، دولت را محصول مبارزات طبقاتی میان نیروهای متضاد اجتماعی میدانند. در تعریف مذاهب و فرقه‌های اسلامی و به خصوص جریان‌های اسلام‌گرایی، از دولت و میکانیزم تشکیل دولت که از یکسانی اسلام با سیاست و لزوم تشکیل دولت و حکومت اسلامی سخن می‌گویند، دیدگاه‌های متفاوت و حتی متناقض وجود دارد.

دولت در تعریف کلاسیک، عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و اعمال حاکمیت در جامعه است. در این تعریف، دولت بر مبنای قرار داد اجتماعی شکل و قوام نمی‌گیرد، بلکه کاربرد ابزار قدرت و میزان کارآیی این ابزار، نقش و میزان حضور دولت را در جامعه تثبیت می‌کند. دولت مدرن نیز از نظر ماهیت و ویژگی‌هایش، به دولت‌های متعدد و متنوع تقسیم می‌شود. دولت‌های ملی مدرن در بستر دموکراسی رشد می‌کنند و مردم در قلمرو یک دولت مدرن ملی، شهروند هستند، در حالی که در دولت‌های کلاسیک و سنتی و در دولت‌های توتالیتر ایدئولوژیک، رعیت و تابع دولت و حاکمان می‌باشند (همان: ۲۳۴). تعریف مورد نظر در این تحقیق عبارت است از «دولت عبارت است از عده‌ای از مردم که در سرزمین مشخص به‌طور دائم اسکان دارند و دارای حکومتی هستند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کنند و از حاکمیتی برخوردارند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی آنها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد (جمالی ۳۸۰، ۱: ۲۳۶).

۲. ملت: مفهومی ذهنی است که تحقق آن در جهان خارج، منوط به تعهد مستمر عامه‌ی مردم به حفظ آن است. هر گاه مردم به حفظ این معنی متعهد باشند، ملت باقی می‌ماند و با عزم مردم به انصراف از آن، این معنی بی‌درنگ مضمحل می‌شود و جوهره‌ی وجود خویش را ازدست می‌دهد. بنابراین، مفهوم ملت، مفهومی اعتباری است که وجود آن به اراده‌ی اعضای جامعه به پابندی به آن بستگی دارد؛ یعنی حتی اگر همه‌ی شرایط ایجاد یک ملت مثل زبان واحد، نژاد مشترک و سرزمین مستقل وجود داشته باشند، ولی عامه‌ی مردم برای شناسایی خود به مثابه یک ملت مصمم نباشند، ملت شکل نمی‌گیرد. در واقع، هر ملت علتی برای بودن می‌خواهد که همواره باید برای آحاد آن برانگیزاننده و مهیج باشد. به طور نظری، میتوان هر ملت را در قالب سیستمی اجتماعی، با بالاترین سطح انتزاع و پیچیدگی سیستمی، تصور کرد (Boulding, 1956, 25-26).

^۱ stet

^۲ nation

۳. ملت سازی:^۱ ملت سازی به مثابه یک مفهوم، طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در میان آن دسته از دانشمندان علوم سیاسی که رهیافتی تاریخی داشتند، رواج یافت (Dinnen 2006؛ Hippler 2005)؛ ملت سازی نخست به منظور توصیف فراگردهای انسجام و پیوستگی ملی به کار میرفت؛ سطحی از انسجام ملی که منجر به استقرار دولت-ملت‌های جدید و متمایز ساختن آنها از اشکال متنوع دولت‌های سنتی مثل دولتهای فئودالی و پادشاهی، دولت‌های کلیسایی و امپراتوری‌ها شد. ملت سازی توصیفگر همگرایی و انسجام گسترده میان دولت و جامعه، و توسعه و بسط یک هویت مشترک است (قوام و زرگر، ۱۳۸۸؛ ۲۱۳). کونور ضمن تأکید بر ریشه‌های قومی ملت‌ها، بر نقش مؤثر گروه‌های قومی در فراگرد ملت‌سازی تأکید دارد (Connor, 1972) نظریه‌های بعدی مطروحه در باب ملت‌سازی به نوعی حاشیه نویسی بر تفکرات اولیه در این حیطه بوده، و ملهم از افکار و ایده‌های نخستین در ساحت ملت سازی محسوب می‌شوند.

آنتونی اسمیت بر آن است که کلیه‌ی ملت‌های مدرن از گروه‌های قومی قدیم ایجاد شده‌اند و از همین روی وی بر جنبه‌های فرهنگی، نمادین، و قومی ملت‌سازی تأکید داشت (Smith, 1991: 223). ملت سازی وارث‌تقاء سطح انسجام و اتحاد، در بسیاری از کشورهای نامتجانس و ناهمگون، به مقوله‌های جنجالی و پر مناقشه مبدل می‌شود؛ در جریان ملت‌سازی، به اقوام، نژادها و دیگر گروه‌های اجتماعی، به مثابه سازه‌های ایجادکننده‌ی نوعی اتحاد کلان، رسمیت بخشیده می‌شود و خط مشی‌های چند فرهنگی تضمین‌کننده‌ی حقوق فرهنگی، ارزشی و هنجاری اقلیت‌ها، مشروعیت می‌یابند (Bornman, 2006, 383).

منظور از ملت سازی در این تحقیق، فرایند ساختن یک هویت ملی با استفاده از قدرت حکومت است. هدف از این فرایند یکی سازی مردم درون حکومت است تا از نظر سیاسی در بلند مدت پایدار و قابل دوام بماند (حیدرزاده، ۱۳۹۰: ۲۰). به عبارتی توسعه رفتارها، ارزشها، زبان، نهادها و ساختارهای فیزیکی که تاریخ و فرهنگ را روشن می‌کند، وضع حاضر را تجسم بخشیده حفاظت می‌کند و هویت آینده و استقلال یک ملت را تضمین می‌کند.

از اینرو، در فراگرد ملت سازی چند عامل مهم مدنظر قرار می‌گیرند:

الف: هویت ملی (Jenkins, 1996: 21-25؛ Bornman, 2006, 386)

ب: دولت واحد و هویت فراقومی (Camara, 2007: 157 & Hippel, 2000, 96)

ج: زبان مشترک (Caviedes, 2003: 250-252؛ Hailemariam et al, 1999, 475-493)

د: دموکراسی و چند صدایی (Hippel, 2000: 96)

ذ: استقرار امنیت (Hamburg, 2002).

^۱ Nation-building

هر یک از این مؤلفه‌ها، در برخی از سطوح عملیات ملت سازی و ایجاد ثبات، صلح و امنیت، نقشی اثرگذار دارند و وجود هر یک، این نوید را می‌دهد که میتوان جهت حصول به رسالتها و اهداف آتی، به هم افزایی بیشتری امیدوار بود (Aguwa, 1997: 345).

۲.۲. تعریف جریان و جریان شناسی

در لغت نامه دهخدا جریان، به سکون راء- معادل خروج و پیشرفت، صدور و اتفاق و وقوع و طلوع و- به فتحه راء - معادل رفتن آب و جز آن، رفتن، روان شدن، به حرکت درآمدن و به توج در آمدن معنا شده است. با وجود این در تعریف جریان، آن را تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی نامیده اند افزون بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز برخوردار است (طالقانی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۷). جریان را به چهار دسته فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم میکنند.

جریان شناسی نیز به فرایند شناخت مؤلفه های اصلی هر جریان یا جریان هایی مورد نظر باز می گردد. این فرایند شامل بررسی شکل گیری یک اندیشه و تفکر، بررسی مبانی فکری اعتقادی و دیدگاه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، دسته ای از احزاب و گروه ها و تبیین همسویی در مواضع، رویکردها و گفتمانها اشاره دارد (رمضانی ساروئی، ۱۳۹۰: ۱۲).

۳. جریانهای فکری شیعی در عراق

شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می روند. حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند که اکثر آنها عرب اند ولی شمار اندکی کرد، ترکمن یا فارس های عرب شده را نیز در برمی گیرند. شیعیان از نظر قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی زندگی می کنند؛ مناطق شیعه نشین به دلیل منابع غنی نفت و گاز از نظر جغرافیای اقتصادی دارای اهمیت راهبردی است. شیعیان همواره در طول تاریخ و به طور مشخص از جنگ جهانی اول با ورود استعمار انگلیس، به عنوان یک گروه مبارز در مقابل حکومت ها مطرح بوده اند؛ گرچه درجه، شدت و ضعف مبارزاتشان به دلیل فشار و سرکوب از سوی حکومت ها متفاوت بوده است. از نظر تاریخ سیاسی، در مورد ریشه های حذف شیعیان از مشارکت فعالانه در ساختار سیاسی عراق، عوامل زیادی مطرح بوده است (خرم شاد-احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۶۵). اما آنچه بدیهی است شیعیان پس از سقوط صدام قدرت بلا منازعی پیدا کرده اند که این مهم بر بار اهمیت و تدقیق در نگرش های سیاسی نیروهای مختلف آنها حائز توجه می نماید. از جمله مهمترین جریانهای شیعی فعال در عراق میتوان به جریان های زیر اشاره کرد.

۳.۱. جریان های فکری سیاسی-فرهنگی

به طور کلی میتوان گفت که جریانهای سیاسی شیعه در عراق از قدمت و سابقه ای طولانی، بهره مند بوده اند. شیعیان عراق همواره از جریانهای سیاسی شیعه حمایت کرده اند. با سقوط رژیم بعث در این کشور و برپایی انتخابات، مردم عراق، تعلق خاطر خود را به جریانهای شیعی با انتخاب آنها برای اداره حکومت نشان دادند و حقوق تضییع شده شیعیان را طی سا های متمادی به دست آوردند.

۳.۱.۱. حزب الدعوة الاسلامیه

در مورد تاریخ تاسیس آن اختلاف است اما دهه ۱۹۶۰م مهمترین تاریخ آن است (موصلی، ۱۹۹۸: ۱۳۲) فعلیت علنی آن با به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ آغاز شد. حزب الدعوه، مهمترین حزب شیعی در ساختار سیاسی عراق است (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۱۶۷). که رهبر معنوی آن برعهده سید محمدباقر صدر بود (الخلیل، ۱۳۷۰: ۲۷) آیت الله صدر با نوشتن کتاب فلسفه ما و اقتصاد ما، در عمل، به چالش با گروههای چپگرا پرداخت و زمینه را برای پایه گذاری حزبی با عنوان «حزب الدعوه» از سوی ایشان فراهم آورد.

۳،۱،۲. مجلس اعلای انقلاب اسلامی

در پی اعدام سید محمدباقر صدر و روحانیان دیگر در سال ۱۹۸۰ و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیان عراقی به همراه بسیاری از طرفدارانشان به ایران رهسپار شدند؛ این روحانیان که پیش از این در عراق تحت جریان سیاسی جماعه العلماء فعالیت می کردند، در ایران با محوریت آیت الله سیدمحمدباقر حکیم به تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق مبادرت ورزیدند. مشی اساسی فعالیت‌های مجلس اعلا، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی است و تا زمان سقوط رژیم بعثی بر تحریک‌های شبه نظامی نیز تأکید داشت؛ در گذشته مبانی نظری عقیدتی آنها مبتنی بر نظریه «ولایت فقیه» بود و به مثابه «دولت خود خوانده و در تبعید» تلقی نمودند (روزنامه شرق، ۱۳۹۰/۳/۲۶).

اما در شرایط عراق پس از صدام متأثر از تجارب رهبران این مجلس در خصوص مسائلی مانند تحولات داخلی ایران، مقتضیات جامعه شناختی عراق و راهبرد (استراتژی) هژمونیک آمریکا در کشور عراق، رویکرد اساسی مجلس، با توجه به اکثریت شیعی جمعیت عراق دنبال «پیگیری نهادینه سازی فرایندهای دموکراتیک در عراق» است. چراکه نهادینه شدن ایستارهای دموکراتیک در عراق، در مجموع با توجه به اکثریت جمعیتی شیعیان به نفع آنان است. مجلس اعلای عراق، پس از سقوط صدام، مهمترین محور فعالیت خود را در قبال شکلگیری ساختار دولت آینده عراق، کمک به فروپاشی نظام حکومتی سنی محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه محور قرار داد؛ در عین حال، در عمل درصدد رفع نگرانی دولتهای عربی در زمینه نقش و جایگاه شیعیان در دولت عراق بود (دهشیار، ۱۳۸۲: ۵۶).

۳،۱،۳. سازمان عمل اسلامی

در اواخر دهه ۱۹۶۰ مقارن با اوجگیری فشارهای حزب بعث بر مخالفان، به ویژه مبارزان اسلامی، تشکلی توسط افرادی مانند آیات سیدمحمدشیرازی، سیدمحمدتقی مدرسی، شیخ محسن حسینی و سیدهادی مدرسی پا گرفت (الرفاعی، ۲۰۱۴: ۴۵) که در نوع و شیوه مبارزاتی خود، در قیاس با معارضان پیشین، به طور مشهود تفاوت داشت. آغاز فعالیت این تشکل به سالهای میانی دهه ۶۰ میلادی برمیگردد، زمانیکه احزابی، مانند حزب الدعوه قریب یک دهه از تحریکها و فعالیت‌های خود را سپری کرده و فرازونشیب‌هایی را طی کرده بودند دلیل این تشکل نیز، تمایل این گروه در بکارگیری شیوه‌های به نسبت خشونت آمیز و به تعبیری، خط و مشی مسلحانه است که در میان گروههای معارض عراقی شناخته شده بود. اما در زمینه رویکردهای «سازمان عمل اسلامی» پس از سقوط رژیم بعث باید گفت اگرچه عمده اعضا و هواداران آن در عراق در شهر کربلا و جنوب عراق قرار دارند. تعمیق مرجعیت سیدمحمدتقی مدرسی و انجام فعالیت‌های فرهنگی از جمله توزیع کتب متعدد این عالم و همچنین سیدهادی مدرسی، مدیریت حوزه‌های علمیه این سازمان در سوریه و ایران از عمده ترین فعالیت‌های این گروه است (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۷۸).

۳،۱،۴. جریان شیعیان سکولار

برخی از شیعیان سکولار عراقی، سکولاریزم را تاکتیکی برای استمرار حضور جریان شیعه در حاکمیت می دانند که نماینده فکری این جریان برخی روحانیون سنتی حوزه نجف، همچون محمد باقر بحر العلوم فعال در صحنه سیاسی عراق می باشند اما بخشی دیگر از این جریان، سکولاریسم را با نگاهی بر روند مواضع و ائتلاف های سیاسی در عراق جدید بیشتر حامیان این نگاه بعثیون جدا شده از حزب بعث (جریان علاوی) می باشند به طور کلی شیعه سکولار، یک شیعه با هویت بسیار ضعیف به شمار خواهد رفت (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). در صحنه سیاسی عراق جدید حزب وفاق وطنی نمایندگی جریان شیعه پان عربی سکولار و کنگره ملی نماینده جریان شیعه لیبرال میانه رو را بر عهده دارند.

۳،۲. جریان های فکری-فقهاتی

گروه های اسلام گرای سیاسی شیعه، تنها جریان تاثیرگذار در میان شیعیان نیستند. جریان های کمتر سیاسی و سنتی شیعه که در چارچوب حوزه های علمیه نجف، کربلا، کاظمین و سامرا سازمان یافته اند، از نفوذ چشم گیری میان شیعیان عراق برخوردار هستند. جریان فقهاتی حوزه های شیعه، در دوران رژیم بعث، ضرورت های مصالحه و وحدت را بیش از پیش درک کرده باشند و تحت کنترل شدید حزب بعث و در خفقان و انزوای کامل بودند؛ با سقوط صدام حوزه نجف خود را با تحولات سیاسی درآمیخت و نقش بسیار سازنده ای در دولت-ملت سازی ایفا کرد. هم اکنون، می توان جریان فقهاتی حوزه نجف را به چند دسته تقسیم نمود.

۳،۲،۱. حوزه آیت ا... سیدعلی حسینی سیستانی

با درگذشت آیت ا... العظمی سید ابوالقاسم خویی (ره) در سال ۱۹۹۲، آیت الله سیستانی مرجعیت اسلامی شیعیان عراق را به عهده گرفت و به چهره با نفوذ حوزه های علمیه شیعه در این کشور تبدیل شد. وی شمار زیادی پیروان (مقلدان) را درون و بیرون عراق دارد. در واقع، آیت ا... سیستانی به تعبیری هم اکنون رهبری مسلم دینی شیعیان عراق و در کنار مراجع ایرانی از مراجع مطرح جهان تشیع می باشد چرا که افزون بر عراق، پاکستان، افغانستان، عربستان، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شیعیانی هم در اروپا، آمریکا و ایران از وی تقلید می کنند (برنابلداجی، ۱۳۸۷: ۷۰). آیت الله سیستانی یکی از مهم ترین طیف های فکری را در حوزه نجف تحت کنترل و هدایت دارد (برنابلداجی، ۱۳۸۷: ۷۳).

۳،۲،۲. حوزه آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

پس از درگذشت آیت الله العظمی خویی از مراجع اعلای شیعیان جهان، پسران وی همچنان به فعالیت های فرهنگی، در حوزه شیعیان عراق و بیرون از آن ادامه دادند. آنها با تاسیس بنیادی با نام بنیاد خویی در لندن برای انجام فعالیت های فرهنگی، مذهبی و سیاسی، باعث جذب بسیاری از اعضا، هواداران و پیروان آیت الله خویی شده بود. این بنیاد به کانون تبادل نظر درباره مسایل مربوط به اسلام و گسترش مردم سالاری، بهبود روابط ستیان و شیعیان و روابط اسلام گرایان و سکولارها تبدیل شد. این بنیاد با تاسی به مرحوم آیت الله خویی، از سیاست دوری می گزیند و با این حال از سنت فرهنگی و فکری شیعه به شدت پشتیبانی کرده، با استناد به دلایل انسان دوستانه از منافع

شیعیان دفاع می‌کند. بنیاد خوبی با دوری جستن از آشوب‌های سیاسی و پرداختن به موضوع‌های سیاسی از دیدگاه فکری و باروحیه آشتی‌جویانه، در جلب توجه طیف گسترده‌ای از اندیشمندان عراقی و دیگر اندیشمندان عرب شیعه موفق بوده است. این بنیاد همچنین از پایگاه مالی بسیار چشم‌گیری برخوردار است و در دو دهه گذشته، توانسته با هدایت کمک‌های بشردوستانه حاصل از بنیادهای نیکوکاری اروپایی، آمریکا و نیکوکاران عراقی مقیم اروپا و کشورهای کرانه خلیج فارس به سوی مردم عراق، نگاه مساعد بخش چشمگیری از توده‌های مردم و طیف میانه‌رو گروه‌های معارض مانند حزب الدعوه و اشخاص مستقل مانند دکتر حسین شهرستانی را در درون و بیرون از عراق به خود جلب نماید (برنابلداجی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۴).

۳،۲،۳. حوزه آیت‌الله صدر

با درگذشت آیت‌الله خویی، نوعی شکاف نسلی در میان پیروان این مرجع پدید آمد. شیعیان بزرگسال به آیت‌الله سیستانی اقتدا کردند، درحالی‌که نسل نو، آیت‌الله محمد صادق صدر، برادر محمد باقر صدر معروف به صدر ثانی، را مرجع تقلید خود قرار دادند. سیستانی، همچنان که گذشت، در رژیم بعثی با دخالت آشکار در سیاست میانه خوبی نداشت، در حالی‌که صدر به‌دیدگاه حکومتی شیعه و دخالت مستقیم و آشکار در سیاست نگاه ویژه‌ای داشت. این امر منجر به اختلاف میان این دو مرجع بزرگ بود. با شهادت آیت‌الله سید محمد صادق صدر به همراه چند تن از پسرانش به دست نیروهای امنیتی رژیم بعث در سال ۱۹۹۹م، ریاست حوزه صدر را مقتدا صدر، جوان‌ترین فرزند او به عهده گرفت. صدر جوان، گروه «جماعت الصدرالثانی» را تشکیل داد و در حال حاضر مدعی رهبری حوزه‌های علمیه شیعه در عراق است. اندکی پس از فروپاشی رژیم صدام، نیروهای مسلح تحت رهبری وی - موسوم به جیش‌المهدی-تاسیس شد. شهر کوفه و شهرک صدر بغداد یکی از شهرهای اصلی محل سکونت شیعیان طرف‌دار مقتدا صدر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰). هدف اصلی جریان صدر مشارکت و دخالت در سیاست جهت دولت‌سازی در عراق است.

۳،۲،۴. سید کاظم حائری

آیت‌الله سید کاظم حائری یکی از مراجع شناخته شده عراقی و از هم‌درسی‌ها و نیز از شاگردان برجسته آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر است. او از سال ۱۹۷۳م در شهر قم سکونت دارد. بر خلاف عدم حضور او برای سالیان طولانی در عراق، وی همچنان از سوی مقتدا صدر یک راهنما شناخته می‌شود و حائری نیز به صدر باور و اعتقاد دارد. آیت‌الله کاظم حائری، خواهان حکومتی همانند ایران در عراق است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه آیت‌الله سید کاظم حائری همچنان از درون ایران، پیگیر مشکلات و مسایل و خواسته‌های توده‌های مردم عراق می‌باشد. به‌طور کلی، سیاست‌ها و مواضع او در قبال تحولات جاری عراق با ج.ا. ایران هم‌گرایی بسیاری دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳).

۳،۳. جریان‌های سیاسی

این جران‌ها اغلب بعد از سقوط صدام و از سال ۲۰۰۳ به دلیل شرایط سیاسی عراق ظهور پیدا کردند گرچه بعضی از رهبران آنها قبل از سقوط صدام عضو حزب دعوه، مجلس‌اعلای اسلامی، حوزه علمیه صدری‌ها و... بودند. این جریان‌ها از سال ۲۰۰۳ مستقیم وارد حوزه

تحولات سیاسی عراق شدند و به مناصب سیاسی بالایی دست یافتند تا بتوانند روند دولت سازی در عراق را تثبیت کنند. این جریانها عبارتند از:

۱،۳،۳. جریان صدریها

برخی از جریانهای شیعی در عراق مدعی هستند که پیرو تفکر شهید صدر هستند به عبارت دیگر، خود را «جریان صدر» می نامند. از بارزترین این مجموعهها می توان به مجموعههای ذیل اشاره کرد:

۱. «جریان مقتدی صدر» (التیاری الصدري الرئیس) به ریاست مقتدا صدر که در آن، مجموعه‌ای از روحانیان معمم و غیر آن حضور دارند؛ مانند عبدالهادی الدراجی، صلاح العبدی، حازم الأعرجی و إیهاب الأعرجی. به طور مشخص، مرجع این گروه پس از شهادت سید محمد صادق صدر، آیت الله کاظم حائری بوده که اکنون در ایران (شهر قم) ساکن است.

۲. «حزب فضیلت»، که امروزه در رأس آن هاشم الهاشمی حضور دارد، تحت رهبری آیت الله محمد یعقوبی که از شاگردان شهیدان صدر (اول و دوم) بوده و در حال فعالیت است. این مجموعه از حیث آنکه رهبرش در بصره ساکن است، مرکزیت خود را این شهر قرار داده و عمده نفوذش نیز در همین شهر است.

۳. مجموعه «محمود الصرخی»، مجموعه کوچکی که از کربلا نشئت گرفت و در برخی جاهای دیگر رخنه کرد و انتقادات شدیدی به حکومت عراق و ایران و احزاب شیعی دیگر دارد.

۴. جماعه «القاضی الیمانی»، یا «جند السماء» چنان که در کتاب وسائل الاعلام معرفی شده‌اند، در مقابل گروه‌های نظامی دیگر احزاب شیعی، سلاح به دست گرفتند و در این صف آراییی با به کار گرفتن زنان و کودکانشان در مقابل سایر احزاب شیعی آرایش جنگی خود را کامل نمودند. همواره بقایای این گروه در بعضی مناطق جنوب عراق دور از چشم نیروهای نظامی رسمی فعالیت می کنند. به سبب ممنوع شدن فعالیت آن‌ها از سوی حکومت و مقابله سایر گروه‌های شیعی با آن‌ها، فهم افکار این گروه مشکل است. اما آن‌ها آن گونه که آشکار شده، به روش خاص فکری خودشان، منتظر امام مهدی (ع) هستند و مسلحانه در مقابل احزاب و گروه‌های نظامی، که اعتقاد به تأخیر ظهور دارند، می ایستند.

۵. گروه‌های کوچک دیگری هستند که جهت گیری‌های فکری سیاسی شان مشخص نیست. این گروه‌ها در ساحت سیاسی عراق تأثیر آنچنانی ندارند.

صرف نظر از ادعای این مجموعهها، همگی خود را «جریان صدر» می دانند، با اینکه آشکارا با هم مخالفت و دشمنی می کنند، به ویژه بین «جریان مقتدا صدر» و «حزب فضیلت» به رهبری آیت الله یعقوبی، که با مشروعیت گروه مقتدا صدر منازعه می کند (شوقی البغدادی، الأحزاب الشیعیة الرئیسیة فی العراق، ۲۳۰، ۲۰۱۱).

۲،۳،۳. ائتلاف ملی عراق

درانتخابات سال ۲۰۰۵ عراق گروه‌های شیعه این کشور ائتلافی تشکیل دادند که بعدها به نام «ائتلاف ملی عراق» معروف شد. ریاست این ائتلاف برعهده ابراهیم جعفری بود و بعدها از حمایت آیت‌الله‌سیستانی و مقتدا صدر برخوردار شد. احزاب و گروه‌های شیعی که عضو این ائتلاف بودند می‌توان مجلس اعلای عراق، حزب فضیلت اسلامی، حزب اصلاح وطن را نام برد.

۳,۳,۳. ائتلاف دولت قانون

بعد از اختلاف بین اعضای ائتلاف ملی عراق، ائتلاف دولت قانون شکل گرفت. رهبری این حزب برعهده «نوری مالکی است. البته سعی شده که این حزب فقط مذهبی خاص نباشد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۳,۳,۴. ائتلاف میهن عراق

این ائتلاف که به نام «فهرست العراقیه» شناخته می‌شود، ریاست آن برعهده «یاداعلاوی» رهبر جنبش وفاق ملی است. گرچه علاوی شیعه است ولی لیبرال هم هست و اهداف خاص دارد. این حزب مورد توجه کشورهای عربی و غربی است (رضایی ۱۳۸۹: ۹).

۳,۳,۵. جریان شیعیان سکولار

این جریان بیشتر بعد از ۲۰۰۳ در عراق ظاهر شد و هدفشان دولت سازی در عراق است. در صحنه سیاسی عراق جدید حزب وفاق وطنی نمایندگی جریان شیعه پان عربی سکولار و کنگره ملی نماینده جریان شیعه لیبرال میانه رو را بر عهده دارند.

۳,۳,۶. ائتلاف‌های جدید

برای انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۸ گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شیعه در عراق به دلیل رقابت و حساسیت انتخابات دست به ائتلاف زدند که این ائتلافها عبارتند از:

الف) ائتلاف نصر و اصلاح به رهبری حیدرالعبادی؛

ب) ائتلاف فتح به رهبری ابوحسن عامری؛

ج) ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی؛

د) ائتلاف سائرون لاصلاح به رهبری مقتدی صدر؛

ه) جریان حکمت ملی به ریاست عمار حکیم (<https://www.mashreghnews.ir/news> ۱۲ اسفند ۱۳۹۶).

۳,۴. جریان‌های فکری - نظامی شیعه

در کنار جریان‌های فرهنگی و سیاسی شیعه در عراق پس از سقوط صدام جریان‌های نظامی که هدفشان هم ملت-دولت سازی بودت تشکیل شدند این جریانها هم نقش مهمی در حال و آینده عراق خواهند داشت. اصولاً نیروی نظامی در روند دولت سازی دموکراتیک می‌تواند زمینه ساز شکل گیری دولت‌های قوی باشد. دولت‌های قوی دارای شکل بندی‌های دموکراتیک، دولت دیکتاتور یا سرکوبگر بوده‌اند. هریک از دولت‌های یادشده می‌تواند برای مدت طولانی روندهای دولت سازی را به وجود آورد. برخی از رهیافت‌های سیاسی، برای ارتش در روند دولت سازی دموکراتیک نقشی تعیین کننده قائل هستند. ناگفته نماند ارتش در سوریه، یمن،

ترکیه و پاکستان چنین نقشی را در دوران های مختلف تاریخی ایفا کرده است. یکی از چالش های اصلی دولت سازی عراق را می توان فقدان ساختار نظامی و ارتش همبسته ساز دانست. بررسی های تاریخی کشورهای خاورمیانه نشان می دهد که شرایط سیاسی حکومت های ضعیف غالباً ارتش را وامی دارد تا به عنوان تنها تشکیلات دارای قدرت یا تنها تشکیلات دارای مشروعیت ملی برای حفظ یکپارچگی حکومت، وارد صحنه اداره کشور شود (گازپوروسکی، ۱۳۷۹: ۳۱۰) در شرایطی که ارتش نقش ساختاری ایفا نکند و گروه های اجتماعی نیز درگیر رقابت های سیاسی برای کنترل قدرت باشند، بحران امنیتی ایجاد می شود. در چنین شرایطی، هر گروه نسبت به اینکه حیات چه کسانی و نیز کدام قلمروها از اهمیت برخوردارند، تابعی از جنگ خواهد بود. ارزش های ملی از هر سنخ نیز تابعی از جنگ قدرت است. دولت سازی دموکراتیک نیازمند ارتشی است که کارکرد ساختاری خود را در کوتاه مدت انجام دهد و زمینه انتقال قدرت را به وجود آورد. ارتش در روند دولت سازی دموکراتیک به موازات حرکت به طرف انتهای ضعیف طیف، کارکرد الزام آور براساس ابزارهای خشونت را از دست می دهد (آرزوومون، ۱۳۷۹: ۴۸) اما مهمترین جریانهای نظامی شیعی عراق عبارتند از:

۱. گردان «ابوالفضل العباس» یا «لواء ابوالفضل العباس»: این گردان که متشکل از چند گروه نظامی شیعی عراقی است به طور رسمی در اول فوریه سال ۲۰۱۳ با هدف حفاظت از آرامگاه حضرت زینب در سوریه اعلام موجودیت کرد. اعضای این گردان را علاوه بر گروه «الیوم الموعود» وابسته به «جریان صدر» به رهبری «مقتدی الصدر» و گروه «عصائب اهل الحق» به رهبری «شیخ قیس الخزعلی» وابسته به «جیش المهدی» گروهی از اعضای حزب الله لبنان و اتباع عراقی ساکن دمشق تشکیل می دهند. فرماندهی این گردان را فردی به نام حسین ابو عجیب از شیعیان عراقی ساکن سوریه برعهده دارد که دارای ارتباط نزدیکی با نیروی «قدس» سپاه پاسداران است (مستند جدارالماء: مصاحبه با سران الحشد الشعبی www.aparat.com)

۲. گروه عصائب اهل حق: مجوز فعالیت نظامی گروه «عصائب اهل حق» عراق به دبیر کلی «شیخ قیس خزعلی» را آیت الله محمود هاشمی شاهرودی صادر کرده است. «عصائب اهل حق» اعلام کرده حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق به نام «ائتلاف» در برابر «داعش» را به منزله اشغال خاک این کشور می داند و مانع دولت سازی و ناامنی در عراق است و با این نیروها وارد جنگ خواهد شد. «عصائب اهل حق» از جمله گروه های شیعه عراقی است که معتقد به «ولایت فقیه» و ولایت آیت الله علی خامنه ای است (گلی، ۱۳۹۶: ۹۲).

۳. سرایا السلام: نام قبلی این گروه «جیش المهدی» بود و مقتدی صدر روحانی شیعه در عراق رهبری آن را برعهده دارد. «لواء الیوم» نام دیگر گروه «سرایا السلام» است. سرایا السلام یکی از گروه های نظامی در عراق است که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، توسط مقتدی صدر راه اندازی شد. مقتدی صدر پس از اشغال شهر موصل به دست داعش و صدور فتوای جهاد کفایی از سوی آیت الله علی سیستانی، گروه «سرایا السلام» را تشکیل داد. بسیاری از اعضای این گروه در گذشته عضو «جیش المهدی» و «لواء الیوم الموعود» بودند. در ابتدا هدف گروه «سرایا السلام» تنها حفاظت از مساجد و اماکن مقدس شیعیان و اهل سنت عراق بود، اما بعداً اعضای

این گروه در درگیری‌های متعدد با «داعش» در مناطق مختلفی همچون سامراء، دیالی، آمرلی و جرف الصخر شرکت کردند (مستند جدارالماء: مصاحبه با سران الحشد الشعبی www.aparat.com).

۴. سرایا الخراسانی: اعضای گردان «سرایا خراسانی» را بیشتر شیعیان جنوب و مرکز عراق تشکیل داده‌اند و هدف اصلی آن مبارزه با گروه «داعش» است. فرماندهی این گردان شیعی را فردی به نام «سیدعلی الیاسری» بر عهده دارد (ساسانیان، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

۵. کتابت حزب الله: گردان‌های حزب الله عراق (کتابت حزب الله فی العراق) یکی دیگر از گروه‌های شیعه در عراق است که بیشتر اعضای آن را مقلدان آیت الله محمدباقر صدر و آیت الله امام خمینی دو تن از مراجع تقلید شیعه تشکیل داده‌اند. کتابت حزب الله در سال ۲۰۰۳ میلادی راه اندازی شد. این گروه با اینکه جزء مخالفان سرسخت صدام حسین بود، اما به شدت اشغال کشور به دست نیروهای خارجی را رد می‌کرد (ساسانیان، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

۶. حزب الله عراق: در واقع بخشی از «حزب الله لبنان» به رهبری حسن نصرالله است که از سوی «وائق البطاط» بنیان گذاشته شد (www.tasnimnews.com).

۷. کتابت امام علی: گروهی از شبه‌نظامیان شیعی مقیم عراق را اعضای این گروه تشکیل داده‌اند و فرماندهی آنها را «محمد شبل الزیدی» برعهده دارد. این گروه یک ماه پس از اشغال شهر موصل از سوی گروه «داعش» تشکیل شد (ساسانیان، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

۸. کتابت سیدالشهدا: یکی از گردان‌هایی است که از سال ۲۰۰۳ با نیروهای آمریکا در عراق می‌جنگید و از سال ۲۰۱۱ نقش موثری در جنگ سوریه ایفا کرده است. اعضای این گردان را شیعیان عراقی تشکیل داده‌اند و هدف خود از حضور در سوریه را محافظت از آرامگاه «حضرت زینب» اعلام کرده‌اند (fa.abna24.com).

۹. حركة النجباء: «جنبش مقاومت اسلامی حرکت حزب الله النجباء» که به اختصار گردان «النجباء» نامیده می‌شود را گروهی از شیعیان نزدیک به جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند (fa.abna24.com).

۱۰. حشد الشعبی: بسیج مردمی عراق (به عربی: الحشد الشعبی) مجموعه نیروهای شبه‌نظامی داوطلب عراقی که در سال ۱۳۹۴ ش (۲۰۱۵م) برای مقابله با حملات داعش به شهرهای عراق سازمان‌دهی شدند. این سازمان، در پاسخ به دعوت دولت عراق و آیت الله سیستانی مرجع شیعه، در نجف، در قالب نیرویی نظامی در کنار ارتش تشکیل شد. نیروهایی از همه طوایف و قومیت‌های عراقی در آن حضور دارند. در زبان عربی «حشد» به معنای جماعت، گروه و جمعیت است و «شعب» نیز در عربی معاصر به معنای گروهی از مردم با مشترکاتی خاص است. این اصطلاح امروزه برای نیروهای بسیج مردمی در عراق به کار می‌رود (ساسانیان، ۱۳۹۶: ۱۵).

۴. جریان‌های فکری-سیاسی شیعه عراق و روند دولت سازی

جریان‌های شیعی عراق که در زمان حکومت صدام به دلیل جوخفقان حاکم بر کشور و شکنجه و... مجبور به کوچ اجباری از عراق شدند به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه دادند تا اینکه با سقوط صدام به کشور بازگشتند و موقعیت خود را ارتقاء دادند. درحالی که عراق

دارای نشانه هایی از خشونت تاریخی اجتماعی است اما جریان های فکری شیعه در عراق پساصدام قابلیت لازم برای ساختن جامعه و دولت دموکراتیک را از خود نشان دادند و خیلی سریع به صحنه سیاسی عراق وارد شدند؛ البته همین گسترش جریانهای شیعی نشانه هایی از بحران و ستیز را از سوی بعضا کشورهای منطقه مثل عربستان و کشورهای غربی باتشکیل گروه های معارض مثل داعش را به همراه داشت. در مقابل این چالشها، مدیریت جریان های فکری را حوزه علمیه نجف با محوریت آیت الله سیستانی برعهده داشت؛ معظم له در بیانیه ها، فتواها و مکتوبات خود بردولت سازی و حمایت ازدولت تاکید داشتند (الرفاعی، ۲۰۱۴: ۳۰). براین اساس اوجامعه مدنی و دولت مدنی را برای عراق مناسب می داند (البغدادی، ۲۰۱۰: ۱۶۷). آیت الله سیستانی معتقد است فرایند جامعه یا ملت سازی براساس الگوی جامعه مطلوب مورد نظر خود، به زمان زیادی نیازاست. به ویژه قدرت دولت قوی، حاکمیت قانون، عدالت، برابری، امنیت، انسجام و... را برای رسیدن به آن نیاز دارد. از این رو مرجعیت برای عبور از بحران و رسیدن به آرمان شهر خود، دولت سازی را در اولویت اهتمام خود قرار می دهد و گفتن سیاستی و اجتماعی مرجعیت نجف اشرف بعد از ۲۰۰۳ را بر اساس دولت سازی و به موازات آن فرهنگ سازی قرار می دهد (میراحمدی، ۱۳۹۶: ۷۹). راهکار و روش دولت سازی به ترتیب زیر می باشد: ۱. قانون گذاری؛ ۲. شکل گیری دولت؛ ۳. امنیت؛ ۴. خدمات عمومی؛ ۵. اشغالگروه حق حاکمیت؛ ۶. فساداداری و اخلاقی. براین اساس جریان های فکری شیعه درعراق بدنبال اجرای راهکارهای زیرجهت اصلاح دولت-ملت سازی درعراق هستند:

۱- اصلاح ساختار دولت و نوسازی نهادهای دولتی؛

۲- کنترل طایفه گرایی براساس عزم ملی؛

۳- اصلاح سیاست های و استراتژیها درحوزه امنیتی، اقتصادی و سیاسی؛

۴- اصلاح نظام دانشگاهی براساس نقش یابی نخبگان؛

۵- اصلاح نظام قضایی؛

۶- اصلاح دستگاههای امنیتی؛

۷- ضرورت مبارزه باتروریسم (الغبان، ۱۳۹۶: ب۴).

دولت-ملت سازی بدون توسعه سیاسی، نامحتمل است، بر این اساس توسعه سیاسی با تشکیل دولت از طریق رقابت حزبی صورت می گیرد و نیاز به یک فرهنگ سیاسی فعال و مشارکتی در جامعه دارد این وضعیت بعد از سقوط نظام اقتدارگرای دیکتاتوری صدام در جامعه عراق با برگزاری انتخابات پارلمانی که تاکنون چهار دوره برگزار شد و انتخابات شوراهای وجود آمد. روند دولت-ملت سازی و شکل گیری دولت ملی، یکی از مسایل بسیار مهم و اساسی در روند حیات سیاسی و اجتماعی عراق است. شکل بندی دولت تحت تأثیر بحران های منطقه ای با نشانه هایی از تغییر و دگرگونی همراه خواهد شد. فرایندهای دولت سازی دموکراتیک در بسیاری از کشورهای خاورمیانه تابعی از ضرورت های مشترک هستند. سازوکارهای استعمار غربی همواره بر روندهای قدرت سازی و سازوکارهای حکومت

در کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است. در هیچ حوزه جغرافیایی نمیتوان نشانه‌هایی از فقدان امنیت را مشاهده کرد. امنیت سازی در بسیاری از کشورها تابعی از ساختار اقتدارآمیز دولت تلقی می‌شود (بروکر، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

نقش یابی بازیگران فراملی را می‌توان در زمره موضوعات دیگری دانست که مشکلات امنیتی کشورهای همانند عراق در روند دولت سازی دموکراتیک را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان تأکید کرد که ملاحظات امنیتی قدرت های بزرگ، همیشه نسبت به ملاحظات امنیتی قدرت های کوچک تر، توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند؛ چون ملاحظات امنیتی قدرت های بزرگ بر الگوهای ستیز و وحدت در کل نظام بین المللی حکم فرماست. روند ملت-دولت سازی در عراق نیازمند آن است که روند یکپارچگی جغرافیایی، یکپارچگی ساختاری، یکپارچگی ژئوپلیتیکی، هویت ملی، دموکراسی، استقرارامنیت و... در فضای منطقه ای و بین المللی حاصل شود. حالت عکس همه این شرایط، نشان دهنده وجود یک کشور قدرتمند است. اگرچه قدرت و انسجام اجتماعی - سیاسی در همه جا با هم ارتباط ندارند، اما «ریچارد لیتل» شیوه روشنگرانه ای برای نگاه به طیف کشورهای ضعیف - قوی بر حسب تعادل قوا ارائه می‌کند. با توجه به نگرش ریچارد لیتل، مهم ترین چالش دولت سازی رومی توان وجود ساختار انسجام بخش دانست (Littel, 1978: 65).

با این وجود تمامی جریانهای فکری شیعی عراق پس از سقوط رژیم بعث به سمت دولت سازی قدم برداشتند؛ آنها ابتدا خواهان داشتن قانون اساسی بودند که در سال ۲۰۰۵ با ۱۳۹ ماده به تصویب رسید. در متن این قانون نوع نظام سیاسی عراق را معرفی می‌کرد. نظام سیاسی عراق پساصدام متشکل از یک مجلس نیابتی مقننه که مجریه و قضائیه را انتخاب میکند و یک دولت فدرالی همراه با استانهای خودمختار تشکیل شده است. در این نوع از قدرت مداری که در زمره نظام های مردم سالار پارلمانی دسته بندی می‌شود، نخست وزیر قدرتمندترین در میان ارکان سه گانه است. مردم با آراء مستقیم نمایندگان مجلس را تعیین می‌کنند و مجلس موظف است رئیس جمهور و نخست وزیر را انتخاب و تأیید صلاحیت کند.

۵. تأثیر ائتلاف شیعیان در انتخابات مجلس بر روند دولت-ملت سازی

اولین انتخابات پارلمانی پس از سرنگونی رژیم صدام در پانزدهم دسامبر ۲۰۰۵ برابر با ۲۴ آذر ۱۳۸۴ برگزار شد. نمایندگان این مجلس برای دوره های چهارساله از طریق رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شدند. در این انتخابات ۲۷۵ نماینده به مجلس راه یافتند. در شمارش نهایی «ائتلاف ملی عراق» به رهبری ابراهیم جعفری توانست ۴۱٫۲ درصد آراء را به خود اختصاص دهد و پیروز میدان رقابت باشد. این نخستین انتخابات آزاد پارلمان عراق پس از تدوین قانون اساسی این کشور بعد از سقوط صدام بود و از این حیث از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.

ائتلاف ملی عراق که پیروز انتخابات بود، متشکل از گروه های متعدد شیعه بود که توانست ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد. با وجود تحریم انتخابات از سوی برخی احزاب سیاسی سنی مذهب عراق، جبهه توافق عراق که متشکل از چند حزب سنی از جمله حزب اسلامی عراق و تجمع مردم عراق بود، ۴۴ کرسی و شورای گفتگوی ملی عراق نیز ۱۱ کرسی

را به دست آورد. ائتلاف میهنی عراق تحت رهبری ایاد علاوی نیز ۲۵ کرسی کسب کرد و بقیه کرسی‌ها به احزاب و شخصیت‌های دیگر تعلق گرفت.

روند تشکیل دولت بعد از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵، بسیار پیچیده بود و با وجود ائتلاف بین گروه‌های شیعی و کرد عراقی، توافق بر سر پست‌های ریاست جمهوری عراق، نخست‌وزیری و اعضای کابینه چندین ماه به طول انجامید و سرانجام جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور و نوری مالکی به عنوان نخست‌وزیر عراق انتخاب شدند. محمود المشهدانی از حزب التوافق (اهل سنت) هم رئیس پارلمان شد. دومین انتخابات پارلمانی عراق در ۷ مارس ۲۰۱۰ برای تعیین ۳۲۵ نماینده دومین دوره پارلمان پس از سرنگونی صدام برگزار شد، در این انتخابات «ائتلاف العراقیه» به رهبری «ایاد علاوی» که بیشتر از اعراب سکولار شیعه و سنی تشکیل می‌شد با ۹۱ کرسی در جایگاه نخست قرار گرفت. «ائتلاف دولت قانون» به رهبری «نوری مالکی» نخست‌وزیر عراق با ۸۹ کرسی در جایگاه دوم قرار گرفت. «ائتلاف ملی» عراق که از گروه‌های مهمی همچون مجلس اعلای اسلامی عراق و جریان صدر تشکیل می‌شد با ۷۰ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت. جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور و نوری مالکی هم به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شدند. اسامه النجیفی از فهرست الوطنیه ریاست پارلمان را به عهده گرفت.

سومین انتخابات پارلمانی عراق روز دهم اردیبهشت ۱۳۹۳ (۳۰ آوریل ۲۰۱۴م) برگزار شد. این اولین انتخابات پارلمانی پس از عقب‌نشینی نظامیان آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ و سومین انتخابات از زمان سرنگونی صدام به‌شمار می‌رفت. بیش از ۲۷۷ حزب و جریان عراقی برای کسب ۳۲۸ کرسی با هم رقابت کردند. در این انتخابات مانند انتخابات‌های پیش، سه طیف شیعیان و اهل سنت و کردها با ائتلاف‌های گوناگون با هم رقابت کردند.

«ائتلاف دولت قانون» به رهبری نوری مالکی نخست‌وزیر، «ائتلاف المواطن» به رهبری سیدعمارحکیم رئیس مجلس اعلای اسلامی، «جریان صدر» شامل (کنله الأحرار و تجمع شراکه الوطنیه و تيار النخب) سه جریان اصلی و با نفوذ شیعه در این انتخابات بودند که حائز بیشترین آراء شدند. با این حال حیدر العبادی به عنوان نخست‌وزیر و فؤاد معصوم به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند. سلیم الجبوری هم رئیس پارلمان شد (خبرگزاری تسنیم ۱۳ اردیبهشت ۹۶).

چهارمین انتخابات پارلمان عراق در ۱۲ می ۲۰۱۸ (۲۴ اردیبهشت ۹۷) برای گزینش ۳۲۹ عضو مجلس عراق برگزار شد. انتخابات ۲۰۱۸، دومین انتخابات مجلس این کشور بعد از خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، چهارمین انتخابات بعد از سقوط صدام و نخستین انتخابات سراسری پس از شکست کامل داعش بود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار بندی احزاب در عرصه انتخابات جاری، تکرر ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان است که در مقایسه با دوره‌های پیشین بی‌سابقه است. طی این دوره، ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان به ۵ گروه مهم رسیده است.

(الف) ائتلاف نصر و اصلاح: ریاست این ائتلاف بر عهده حیدر العبادی نخست وزیر عراق می باشد. این ائتلاف بیش از ۲۰ حزب و تشکل سیاسی را مانند، حزب "فضیلت"، جنبش "مستقلون" به ریاست "حسین شهرستانی" و جریان "اصلاح" به ریاست "ابراهیم جعفری" و فراکسیون "عطاء" به ریاست "فالح فیاض" و دیگر شخصیت ها و نیروهای سیاسی از جمله وزیر سابق دفاع "خالد العییدی" که ریاست جنبش "بیارق الخیر" را بر عهده دارد و همچنین حزب "معاهدون" به ریاست رئیس دیوان وقف سنی "عبداللطیف الهمیم" و حزب "الوفاء" به ریاست "قاسم الفهداوی" با خود داشت (<https://www.mashregnews.ir/news> ۱۲ اسفند ۱۳۹۶).

(ب) ائتلاف فتح: بدنه اصلی این ائتلاف شامل بسیج مردمی عراق در روند مبارزه با گروه های تروریستی و بویژه «الحشد الشعبی» است و ریاست آن را ابو حسن عامری با محوریت حزب بدر بر عهده دارد. از برجسته ترین احزاب و جریان های سیاسی عضو ائتلاف فتح می توان به سازمان بدر، مجلس اعلای اسلامی، کتائب امام علی (ع) و حزب الله عراق، جنبش اسلامی عراق به رهبری احمد جاسم صابر الاسدی، جنبش الصدق و العطا به ریاست مرتضی علی الساعدی، حزب الطلیعة الاسلامی به ریاست خضیر عباس الاماره، جنبش الجهاد و البناء به ریاست حسن راضی الساری، فراکسیون منتصرون به ریاست مهدی علی جابر المکصوصی، جنبش الصادقون به ریاست عدنان الدلیمی، حزب تجمع ملی مستقل به ریاست فلاح حسن الجزائری، حزب المهنین للاعمار به ریاست محمد صاحب الدراجی، تجمع «کفی صرخة للتدبیر» به ریاست رحیم الدراجی، تجمع عراق المستقل به ریاست ابراهیم محمد بحر العلوم، تجمع عدالت و وحدت به ریاست عامر الفایز، فراکسیون وفاداری و تغییر به ریاست اسکندر جواد وتوت، حزب الله عراق به ریاست سالم محسن البهادلی، مجلس اعلای اسلامی عراق به ریاست همام باقر الربیعی، سازمان العمل الاسلامی العراقی به ریاست محمد جاسم الاسدی، جنبش اسلامی ۱۵ شعبان به ریاست رزاق یاسر الموسوی، تجمع شبکی های دموکراتیک به ریاست حنین محمود القدو و برخی گروه های وابسته به طایفه ایزدی اشاره کرد.

(ج) ائتلاف دولت قانون: این ائتلاف به ریاست نوری مالکی معاون رئیس جمهور و نخست وزیر سابق عراق متشکل از تعدادی از جنبش ها و جریان ها و شخصیت های سیاسی عراق است که در زیر به آنها اشاره می شود.

حزب دعاة الاسلام به ریاست خضیر موسی الخزاعی، جنبش النور به ریاست محمد کاظم الهنداوی، جریان الوسط به ریاست موفق باقر الربیعی، جنبش بشائر الشبابیة به ریاست یاسر محمد المالکی، فراکسیون معا للقانون به ریاست محمد عبدالساده جعاز، حزب المدني به ریاست حمد یاسر غالب الموسوی، جریان فرهنگی ملی به ریاست علی احمد وتوت، تجمع امنا بلدنا به ریاست قصی عبدالوهاب السهیل، جریان ولایتون الاسلامی به ریاست کمال علی خلف.

(د) ائتلاف سائرون للاصلاح: این ائتلاف به ریاست حسن عاقولی از حزب استقامت وابسته به جریان صدر به رهبری مقتدی صدر و حزب کمونیست عراق و حزب الدولة العادلة و حزب الشباب للتغییر و حزب الترقی و الاصلاح و حزب التجمع الجمهوری العراقی تشکیل شده است.

۵) **جریان حکمت ملی به ریاست عمار حکیم:** نیز به صورت مستقل و بدون ائتلاف با سایر احزاب شیعه در انتخابات پارلمانی

عراق حاضر می‌شود (شیعه نیوز ۱۳ اردیبهشت ۹۶).

در این انتخابات ائتلاف سائرون با محوریت مقتدی با ۵۴ کرسی صدر بیشترین کرسی پارلمان را کسب کرد پس از آن ائتلاف «الفتح» با رهبری هادی العامری با ۴۷ کرسی، ائتلاف النصر با رهبریت حیدر العبادی ۴۲ کرسی، ائتلاف «دوله القانون» با محوریت نوری المالکی با ۲۶ کرسی حائز رتبه های دو تا چهارم شدند و ائتلاف «الحکمه» با محریت عمارالحکیم در رتبه ششم قرار گرفت. نکته مهم این است که ائتلافهای شیعیان در رده ای بالا قرار گرفتند گرچه تعدد حزب و ائتلاف شاید در آینده عراق چالش برانگیز شود و باعث شود که روند دولت سازی با مشکل روبرو شود.

۶. نقش نهادهای فکری شیعه در فرایند دولت سازی

یکی از جریان‌های تاثیر گذار بر دولت سازی عراق نهاد حوزه علمیه نجف به عنوان یک نهاد مذهبی، همچنین ایدئولوژی تشیع به عنوان نهاد عقیدتی دیگر می باشد که با مشروعیت بخشیدن به احزاب و انتخابات به حمایت از آنها پرداختند. به همین دلیل یکی از موضوعات بنیادین تأثیرگذار در فرایند دولت سازی دموکراتیک را می توان سازوکارهای مربوط به ایجاد نهادهایی دانست که از زیرساخت های فرهنگی و ایدئولوژیک بر خوردارند. کشورهایی که دارای ایدئولوژی های متعارض یا هویت های درهم تنیده قومی، مذهبی و زبانی هستند عموماً در روند سازماندهی دولت سازی دموکراتیک با چالش های متعددی روبه رو می شوند. کشور عراق هم جزء چنین کشورهایی است که دارای قومیتها، زبان عربی، کردی، ترکی و... فرقه های شیعی، سنی و... می باشد. ارزیابی چنین کشورهایی نشان می دهد که ایدئولوژی می تواند نقش مؤثری در فرایند انسجام بخشی یا انسجام گریزی ساختاری ایفا کند. در چنین فرایندی ایدئولوژی های سیاسی با انگیزه بازیگران بین المللی پیوند می یابد. ایدئولوژی سیاسی می تواند نقش همبستگی را با نهادهای بین المللی و قدرت های بزرگ ایفا کند. به طور کلی می توان تأکید کرد به موازات حرکت به سمت پایین طیف، یعنی به سمت حکومت های ضعیف تر، تعیین مصداق امنیت ملی سخت تر می شود. و مفهوم امنیت ملی که عمدتاً ناظر به تهدید خارجی است، به طور فزاینده برای تهدیدهای داخلی اولویت قائل می شود. ایدئولوژی سیاسی زیرساخت لازم را برای همبستگی گروه های اجتماعی و بازیگران منطقه ای فراهم می سازد. در کشورهای همانند عراق که روند دولت سازی دموکراتیک با مشکلات ساختاری روبه رو شده، ایدئولوژی از اهمیت اثربخشی و تأثیرگذاری راهبردی برخوردار است. وقتی دولت ها برای حکومت کردن بیش از آنکه به اجماع و وفاق عمومی متکی باشند، برزور تکیه کنند و وقتی با اقتدار آنان در داخل به طور جدی و با وسایل قهرآمیز مقابله شود، آنگاه مفهوم امنیت ملی، معنای اجتماعی - سیاسی خود را از دست می دهد (بروکر، ۱۳۸۳: ۲۹۵).

هنگامی که قدرت سیاسی و ایدئولوژی حکومت مشروعیت گسترده ای ندارد و با زور مورد چالش قرار می گیرد، آنگاه عناصر محوری امنیت ملی از قبیل سبک و سیاق سیاسی، ایدئولوژی و نهادها، محتوای روشنی نخواهند داشت. حتی مفهوم استقلال می تواند در مواردی که اقلیتی با زور بر اکثریتی تسلط دارند، مورد تردید واقع شود؛ همان طور که نقل می شود که یک دیپلمات آمریکایی،

دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا را به عنوان دولتی بدون مردم بالای سر مردم و علیه مردم توصیف کرد. بر این اساس رویکرد ایدئولوژی شیعی و حوزه نجف برهمزیستی مسالمت آمیز همه فرقه ها و اقوام و داشتن جامعه ای امن و دولتی قوی تاکید دارد.

۷. نقش جریان های فکری نظامی-امنیتی بر دولت سازی

همان گونه که ذکر شد به دلیل شرایط امنیتی عراق و اشغال آن، شیعیان عراق نیروهای بسیج مردمی مثل حشد الشعبی، کتائب اهل حق و... برای امنیت عراق جهت دولت سازی تاسیس نمودند که تاثیر زیادی بر این روند داشت. اصولاً روندهای سیاسی محیط منطقه ای بر ترکیب کلی آناارشی بین المللی تأثیری بسیار عمیق دارد. در سطح بین المللی، آناارشی شکل غیرمتمرکز ساختار سیاسی است. این امر شبیه آناارشی افراد نیست که در آن نظم سیاسی وجود ندارد؛ یعنی وضعی که هابز از آن سخن می گفت. ادعای کشورها مبنی بر داشتن استقلال یعنی ادعای آنان مبنی بر داشتن حق کامل خودمختاری آن چیزی است که نظم سیاسی نظام نوین بین المللی را مشخص می سازد. اگر کشورها مستقل هستند، آنگاه طبق تعریف، ساختار روابط آنها، مبتنی بر آناارشی است. واقعیت های محیط امنیتی خاورمیانه نشان می دهد که در بسیاری از مواقع ناامنی مشکل همه دولت ها و احتمال وقوع جنگ همیشگی است. می توان شرایط آناارشی را تصور کرد که در آن ارزش های مثبت ساختار غیرمتمرکز، به حداکثر و بازتاب های منفی ناامنی و جنگ به حداقل خود می رسند. شرط ضروری و نه کافی برای هر تصویر بی خطر از آناارشی این است که سیستم مذکور متشکل از حکومت های قوی و یکپارچه باشد. به هر میزانی که این حکومت ها از لحاظ داخلی چندپاره و در نتیجه ضعیف باشند، به بی ثباتی و ناامنی سیستم بین المللی و نه نظم آن بیشتر کمک خواهد کرد. هرگونه بی ثباتی در عراق آثار خود را به محیط پیرامونی منتقل می کند. بنابراین دولت سازی در عراق را نمی توان صرفاً به عنوان موضوعی داخلی تحلیل کرد، بلکه دولت سازی در هر یک از کشورهای منطقه ای دارای آثار و پیامدهای اجتماعی و امنیتی در محیط پیرامونی خواهد بود.

یکی دیگر از تئوری های مربوط به دولت سازی دموکراتیک را می توان بر اساس نقش محیط امنیتی تحلیل کرد. به طور کلی محیط امنیتی می تواند زمینه های لازم را برای اثر گذاری بر فرایندهای دولت سازی دموکراتیک به وجود آورد. تحقق این امر تا حد بسیار زیادی بستگی به قوی یا ضعیف بودن حکومت ها دارد. محیط های امنیتی خاورمیانه عموماً با چالش های دولت سازی دموکراتیک روبه رو هستند؛ به همین دلیل هرگونه دولت سازی نیازمند تغییر در فضای عمومی محیط امنیتی بوده است (متقی، ۱۳۹۰: ۷). یکی از واقعیت های بنیادین در شکل گیری امنیت منطقه ای را می توان مربوط به سازوکارهای ناشی از آناارشی بین المللی دانست. محیط منطقه ای خاورمیانه عموماً آناارشی منطقه ای و بین المللی را بازتولید می کند. امنیت سازی که یکی از شرایط دولت-ملت سازی است، در چنین محیط هایی شیوه ای است که در آن تشکیلات و اقتدار سیاسی نه به شکل یک مجموعه بلکه به صورت بخش بخش واگذار شده اند. بنابراین آناارشی بین المللی در دعوی خود دایره بر اینکه دستگامی صاحب انتظام است، متکی بر قدرت و ثبات سیاسی کشورهای تشکیل دهنده آن است. بر این اساس یکی از شرایط دولت سازی در عراق داشتن امنیت است که توسط جریانهای نظامی شیعی انجام می شود. به گونه ای که جریان های نظامی شیعی عراق در انتخابات چهارمین دوره مجلس عراق نقش مهمی در پیروزی ائتلاف شیعیان داشتند. در عرصه بهره

گیری از توانمندی های حشد الشعبی در بعد نظامی و امنیتی عراق پسا داعش نخست باید به نقش آفرینی این نیروها در جلوگیری از طرح از پیش برنامه ریزی شده از سوی بازیگران خارجی و داخلی برای تجزیه عراق اشاره کرد. این واقعیت که بسیج مردمی پس از فتوای آیت الله سیستانی برای مقابله با گسترش پیشروی داعش توانسته است، یکپارچگی عراق را مجدداً در صحنه سناریوهای آینده این کشور قوت بخشد و بخش های وسیعی از خاک این کشور مجدداً به کنترل دولت مرکزی عراق بازگرداند غیر قابل انکار است. لذا می توان انتظار داشت که حشدالشعبی در آینده به عنوان یک نیروی نظامی در درون نیروهای مسلح فعالیت خواهد داشت و سازماندهی جدیدی انجام خواهد شد. بنابراین با توجه به نیازمندی های وسیع در ابعاد امنیتی و اقتصادی (سازندگی) در عراق پسا داعش و ماهیت نیروهای حشد الشعبی بلحاظ ایمانی و انگیزشی در جهت خدمت به جامعه و مردم، این نیروها را می توان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده آینده این کشور ارزیابی کرد.

نتیجه گیری

عراق در زمره کشورهایی قرار دارد که دارای تنوع قومی است و به این دلیل با چالش های هویتی، زبانی، مذهبی و قومی روبه رو بوده و هست در عین حال چالش هایی را کشورهای غربی و بعضاً عرب منطقه برایشان به وجود آوردند؛ در چنین شرایطی جریان های شیعی عراق کار دشواری برای آینده دولت سازی در عراق دارند؛ چراکه روند دولت سازی در عراق تحت تأثیر مؤلفه های مختلف اجتماعی، سیاسی و الگوی کنش نخبگان شکل می گیرد. اما این را هم باید پذیرفت که به قدرت رسیدن شیعیان اسلام گرای عراق چیزی نبود که خوشایند امریکا و غرب و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باشد. لذا ایالات متحده از قدرت گرفتن اسلام گرایان شیعه ناخرسند بود و تلاش داشت تا از طریق تقویت همپیمانان شیعی سکولار خود جلوی این اتفاق را بگیرد، از طرفی مساله هویت ملی، جهادگرایان، سیاست کشورهای منطقه ای و بین المللی در قبال عراق در پرونده هایی چون دولت مرکزی، کردها و اهل سنت، مساله مبارزه با فساد، رویکردهای سیاسی احزاب و ائتلاف های سیاسی از این فاکتورهایی است که روند دولت ملت سازی را تهدید می کند با این حال این را باید پذیرفت که بهترین فرصت برای جریان های شیعه عراق در طول تاریخ این کشور رقم خورد و اگر رویکرد اتحادی را در پیش بگیرند خواهند توانست چالش های پیش رو را کاهش دهند.

منابع

۱. حیدرزاده، محمد، ۱۳۹۷، نگاهی آماری به انتخابات پارلمانی عراق. «شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی ۲۰۰ اردیبهشت -
۲. متقی زاده زینب، ۱۳۸۴، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ قم: مؤسسه شیعه شناسی
۳. طاهری عطار، غزاله، ۱۳۹۲، طراحی و تبیین الگوی ملت سازی پایدار، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال دوم شماره ۷.
۴. طاهری کل کشوندی، مسلم و تقی زاده داوری، محمود، ۱۳۹۳، رویکرد جریان های شیعی عراق به تحولات نوین عراق، فصلنامه شیعه

۵. موصلی، احمد، ۱۹۹۸، سیره و حیات الامام الخوئی، بیروت دارالهادی
۶. خرم شاد، محمدباقر، نادری، احمد، نقش حزب الدعوه الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق
۷. آدمی، علی و ابراهیمی پور، حوا، ۱۳۹۳، جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال ۱۲ شماره ۴۶
۸. عیوضی، محمد رحیم، نوازی علی و علی محمدی، فریبا، ۱۳۹۵، دو فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی جهان اسلام، دوره ۴ ش ۲
۹. دهشیار، حسین، ۱۳۸۲، مسائل ایران و عراق، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
۱۱. متقی، ابراهیم، الغبان، محمد سالم، ۱۳۹۶، فصلنامه آفاق سال دهم ش ۳۴
۱۲. میراحمدی، منصور و مرزیه، محمد حسین، ۱۳۹۶، جریان های فکری سیاسی عراق پس از ۲۰۰۳، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیستم شماره ۷۷
۱۳. البغدادی، سامی، ۲۰۱۰، مبادئ الدوله والقیاده لدی مراجع الحوزه العلمیه، نجف اشرف، مطبوعه البینه
۱۴. الرفاعی، عبدالجبار، ۲۰۱۴، مفهوم الدوله فی مدرسه النجف، نشر مومنون بلا حدود
۱۵. طالقانی، سید علی، ۱۳۸۲، ترمینولوژی جریان شناسی فرهنگی، ماهنامه ش ۱۱۹
۱۶. آزر، ادوارد و چونگ این مون، ۱۳۷۹، امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده، مطالعات راهبردی.
۱۷. بروکر، پل، ۱۳۸۳، رژیم های غیردموکراتیک؛ نظریه ها، سیاست و حکومت، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: انتشارات کویر
۱۸. گازیوروسکی، مارک 1379 «مشروعیت رژیم و امنیت ملی»، مندرج در: امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. متقی، ابراهیم، ۱۳۹۰، ایران در راهبرد و سیاست خارجی اوباما، تهران: مرکز تحقیقات، راهبردی دفاعی جمالی، حسین، ۱۳۸۰، تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه
۲۰. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، تاثیر ژئوپلیتیک عراق بر امنیت کشورهای پیرامونی، گفتگوی علمی، گزارش پژوهشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۷
۲۱. گلی، محمد (۱۳۹۶) حشد الشعبی، روابط با دولت و الزامات آینده، اندیشکده راهبردی تبیین
۲۲. کرمی، حسین (۱۳۸۷) اوضاع معاصر کشورهای اسلامی و تاریخ سیاسی عراق، تهران انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. قوام عبدالعلی، زرگر افشین (۱۳۸۹) دولت سازی ملت سازی و نظریه روابط بین الملل، چهارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت - ملت ها، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۲۴. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۲۵. برنا بلداچی، سیروس (۱۳۸۷) نقش شیعیان در ساختار سیاسی عراق، تهران، معاونت سیاسی ناجا.
۲۶. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۸۴) نقش گروه های معارض عراقی در روابط ایران و عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۷.سایت مشرق نیوز ۱۳ اردیبهشت ۹۶

۲۸.سایت تسنیم ۱۲ اردیبهشت ۹۶

۲۹. www.asipress.ir

۳۰. http://peace-ipsc.org .

۳۱. fa.abna24.com

32. - Little, Richard (1987), Balance of Power: Metaphors Models and Myths, London: Allen & Unwin.
- "Religious Conflict in Nigeria: Impact on Nation Building", (1997), 33. Aguwa, Jude C Dialectical Anthropology, No. 22, pp. 335-351.
34. "National Symbols and Nation-building in the Post –", (2006), Bornman, Elirea 35.–
36. "Apartheid South Africa", International Journal of Intercultural Relations, No. 30, pp. 383-399
37. Boulding, Kenneth, (1956), General System Thinking, Skeleton of Science, In Peter P. Schoderbek (ed.), Management System, John Willy & Sons. 1971
38. Connor, Walker, (1972), "Nation-Building or Nation-Destroying?", World Politics, 24(3): 319-355.
39. Hippel, Karin von, (2000), "Democracy by Force: A Renewed Commitment to Nation Building", The Washington Quarterly, 23(1) 95-112.
40. "Nation-building: A Key Concept for Peaceful Conflict Transformation?", Pluto Press
- 41.- Hippler, Jochen, (2005), National Identity London Penguin.
42. Smith, Anthony D. (1991), National Identity London
43. Hamburg, David, (2002), "Preventing War Through Nation-Building: A Self-Interested Approach to Peace", Negotiation Journal, pp. 385-389, October